

بک از سند جدید استراتژی امنیت ملی آمریکا

شورش



احتمالاً رویکرد خاموش استراتژی امنیت ملی جدید در قبال اهداف دشمن عمدی است، تلاش برای نشان دادن فصلی جدید برای آمریکا جایی که از بسوی محرک‌های استراتژیک دوران پساجنگ سرد کمتر تحت‌فشار قرار دارد و می‌تواند اهداف جسورانه‌تر مبتنی بر منافع را آزادانه‌تر دنبال کند. واقعیت این است که کشورهای متخاصم با آمریکا نمی‌خواهند این استراتژی ملی جدید تحقق یابد، چه ایالات متحده نام آنها را ببرد یا نبرد.

▼ استراتژی ملی جدید مجموعه‌ای است از عناصر ناهم‌تنگ اما دست‌یافتنی

دانیال فراید مشاور ویژه و مدیر ارشد پیشین شورای امنیت ملی برای رئیس‌جمهور بیل کلینتون و جورج دبلیو بوش

به‌نظر می‌رسد استراتژی امنیت ملی جدید ترکیبی است از: **خستگی و واکنش پس از جنگ عراق/افغانستان**، نسخه‌ای به‌نوعی راست‌گرایانه از تفکر دموکرات‌های مبتنی بر «آمریکا، به خانه برگرد» پس از جنگ ویتنام در اوایل دهه ۱۹۷۰ **موضع‌گیری ایدئولوژیک، به‌ویژه مقابل اروپا با یک المان تند حزبی از حمایت از احزاب «وطن‌پرست» (احتمالاً به‌معنای ملی‌گرا و بومی‌گرا)**

فراخوان برای ایجاد دژ آمریکایی (این سند به «خوانش ترامپی از دکنترین مونرو» اشاره دارد که به‌نظر می‌رسد به‌معنای تمایل به جلوگیری از ایجاد نفوذ اقتصادی قدرت‌های خارجی مثل چین در نیمکره غربی است).

تاکید قوی بر منافع آمریکا در مقابله با ژورگویی اقتصادی چین و اختلال در تجارت جهانی و همچنین توسعه‌طلبی چین. بخش مربوط به آسیا لحن خوبی درباره عدم تغییر در «وضع موجود» تاپوان و مطالب زیادی درباره حفاظت از زنجیره‌هایی از جزایر غرب اقیانوس آرام بیان می‌کند. **احتمالاً زبان قابل اجرا در سیاست اقتصادی با تأکید بر جلوگیری از سلطه کشورهای خارجی بر منابع و فناوری‌های حیاتی و استثمار خارجی از تجارت بین‌المللی** **لحنی متناقض، گاه عجیب و احتمالاً سازشکارانه در مورد اروپا که خصومت حزبی در سیاست‌های جریان اصلی اروپا را با بی میلی ترکیب می‌کند اما از اینکه آمریکا نیاز دارد با اروپا همکاری کند، استقبال می‌کند.**

استراتژی امنیت ملی جدید در مورد روسیه که فقط در قالب اروپا آمده ضعیف عمل می‌کند، اما خواستار «واگذاری خصومت‌ها» در اوکراین است که اوکراین را «کشوری کارآمد» باقی می‌گذارد و آن را «تمایل اصلی» ایالات متحده خطاب می‌کند. این امر کافی نیست چون ولادیمیر پوتین، رئیس‌جمهور روسیه از مشارکت در تلاش‌های آمریکا برای پایان دادن به جنگ امتناع می‌کند اما اگر تیم ترامپ تصمیم بگیرد روسیه را برای

رسیدن به این منفعت اصلی تحت‌فشار قرار دهد، این برای حمایت از یک سیاستی که کفایت می‌کند، کافی است.

▼ استراتژی ملی جدید به‌همان اندازه که درباره امنیت ملی است درباره کشورداری اقتصادی است

کیمبرلی داناون مدیر ابتکار کشورداری اقتصادی در مرکز ژئواکونومیکس شورای آتلانتیک و دستیار مدیر پیشین در وزارت خزانه‌داری آمریکا

جیمز مازارلا عضو ارشد مرکز آزادی و رفاه شورای آتلانتیک

سند استراتژی امنیت ملی دولت دوم ترامپ به‌همان اندازه که استراتژی امنیت ملی است درباره استراتژی کشورداری اقتصادی هم هست و جهان‌گرایی آمریکا را عمدتاً بر اساس منافع اقتصادی، به‌ویژه در نیمکره غربی توجیه می‌کند و شاید برای کسانی که از ادغام ژائسو و توسعه بین‌المللی ایالات متحده یا USAID نگرانی دارند و اهمیت قدرت نرم را تقویت می‌کنند، غافلگیرکننده باشد.

این سند، سیاست خارجی را حول اهداف سنتی کشورداری اقتصادی مثل حفظ زنجیره‌های تأمین امن، دسترسی به مواد اولیه، محافظت از بازارهای صادرات آمریکا و تضمین تسلط فناوری و ظرفیت صنعتی آمریکا چارچوب‌بندی می‌کند. کمک‌های بین‌المللی نادیده گرفته نمی‌شوند اما به‌عنوان ابزاری برای تعهدات بشردوستانه یا برای تأمین کالاهای عمومی جهانی نیز مطرح نشده‌اند، بلکه کمک زمانی معنادار توصیف می‌کند که به حفظ یا توسعه منافع آمریکا کمک کند.

اگرچه ممکن است سنگدلانه به‌نظر برسد اما در واقع منعکس‌کننده آن چیزی است که خیلی‌ها در کشورهای در حال توسعه آن را واقعیت تمام کمک‌های خارجی تصور می‌کنند و دهه‌هاست که این بودجه برای مردم آمریکا با همین استدلال توجیه شده است. به‌عنوان مثال حتی با وجود آنکه آمریکا کمک‌های غذایی ارائه می‌دهد، رهبران آمریکایی از آن به‌عنوان کمک به کشاورزان آمریکایی و ایجاد ثبات در جهان برای تضمین امنیت و رفاه آمریکا صحبت می‌کنند. سند استراتژی امنیت ملی همچنین به برنامه‌هایی برای افزایش استفاده از دو ابزار مهم توسعه دولت آمریکا، شرکت مالی توسعه و شرکت چالش هزاره، به‌ویژه در نیمکره غربی اشاره می‌کند تا به‌طور کلی دوران حمله وزارت کارآمدی دولت یا دوج به توسعه را معکوس کند.

▼ رفتار دولت با اروپا منافع خودش را تضعیف می‌کند

توری تاسیگ مدیر و عضو ارشد ابتکار امنیت ترانس آتلانتیک در مرکز استراتژی و امنیت اسکوکرافت شورای آتلانتیک در طول سال ۲۰۲۵، هدف ادعایی دولت

ترامپ در اروپا، انتقال بار دفاع متعارف روی شانه‌های متحدان اروپایی‌اش بوده است. دولت در نشست لاهه با تحت فشار قرار دادن متحدان ناتو برای موافقت با تعهد جاه‌طلبانه افزایش بودجه دفاعی تا ۵درصد از تولید ناخالص داخلی تا سال ۲۰۳۵، به پیروزی دست یافت. متأسفانه، سند استراتژی امنیت ملی هیچ کاری برای کمک بیشتر به منافع امنیت ملی آمریکا، طبق تعریف خود دولت، در قاره اروپا نمی‌کند.

با کم‌اهمیت جلوه دادن و حتی خودداری از اشاره به آن، تهدید متعارف روسیه برای امنیت فرآتلانتیک، این سند به کشورهایی که برای پذیرش مسئولیت‌های دفاعی بزرگتر تلاش می‌کنند، قدرت نمی‌دهد. در عوض استراتژی امنیت ملی به‌دنبال تشویق احزاب ملی‌گرا و پوپولیست (مثل حزب آلترناتیو برای آلمان) است که احتمالاً بودجه دفاعی را کاهش داده و تهدیدهای متعارفی را که برای مقابله با آنها به‌طور سنتی به ایالات متحده تکیه کرده‌اند، کم‌اهمیت جلوه می‌دهند. از این نظر، استراتژی امنیت ملی یک هدف شخصی است که اهداف اعلام‌شده دولت برای آنچه که می‌خواهد با متحدان اروپایی به‌دست آورد، تضعیف می‌کند.

▼ در آفریقا، استراتژی امنیت ملی بر تجارت و سیاست امنیت مداخله‌گرایانه بیشتر تأکید دارد

راما یید مدیر ارشد مرکز آفریقای شورای آتلانتیک



در مورد آفریقا، تعداد صفحات بسیار کمی اختصاص داده شده است؛ نصف پایین صفحه غافلگیرکننده نیست. تکراری است از زوایای کلیدی رویکرد دولت ترامپ در قبال آفریقا که پیش از انتخاب ترامپ به ریاست‌جمهوری در «پروژه ۲۰۲۵» (با رد آشکار «ایدئولوژی لیبرال») و پس از انتخاب ترامپ از سوی تروی فیتزل، مقام ارشد دفتر امور آفریقا در وزارت امور خارجه، در آبیجان (پایتخت پیشین ساحل عاج) و لواندا (پایتخت آنگولا) تشریح شده بود. پس از تعطیلی آژانس توسعه بین‌المللی در ماه ژوئیه، استراتژی روابط آمریکا-آفریقا از کمک به تجارت و سرمایه‌گذاری تغییر کرد: آمریکا سیگنال‌هایی از تمرکز بیشتر بر تجارت، معدن کاری (به‌ویژه معادن حیاتی) و سرمایه‌گذاری‌های انرژی در کشورهای آفریقایی نشان داده است. آمریکا برنامه دارد تا از رشد بخش خصوصی حمایت کند و دسترسی به بازار را گسترش دهد. دولت ترامپ شاید بیشتر در بخش امنیت، با سیاستی مداخله‌گرایانه‌تر تحول بیشتری رخ داده باشد. دولت این تغییر را مد فوری به با حملات گسترده به‌سومالی علیه‌رهبری شاخه محلی دولت اسلامی عراق و شام (داعش) انجام داد. این سند تأکید می‌کند که مبارزه با «اقدامات ترویرستی احیاشده در بخش‌هایی از آفریقا» همچنان در اولویت است. چون امنیت با تجارت فاصله‌دوری ندارد، و توافق‌نامه صلح مهمی که در موسسه صلح آمریکا بین رواندا و جمهوری دموکراتیک کنگو با هدف پایان دادن به سه‌دهه جنگ که منجر به مرگ میلیون‌ها نفر شده، امضا شد، به‌عنوان بستری برای توسعه منافع تجاری آمریکا نیز عمل خواهد کرد. به‌نظر می‌رسد که دولت در مرحله بعدی به سمت سودان و نسل‌کشی ادامه‌دار در دارفور روی خواهد آورد. سند استراتژی امنیت ملی هیچ اشاره به دو تحول قابل توجه در سال جاری در مورد روابط آمریکا و آفریقا، افزایش تنش‌ها بین دو اقتصاد بزرگ آفریقا یعنی آفریقای جنوبی و نیجریه نمی‌کند. به‌نظر می‌رسد محرک این مناقشه‌ها بیشتر ملاحظات داخلی (محافظت از مسیحی‌ها، آفریکانرها (قومی در آفریقای جنوبی) و اسرائیل) است تا رقابت با چین در خاک آفریقا و یادآوری به همه ماست که هر گونه اقدام خارجی ترامپ بر اساس اصول «اول آمریکا» صورت می‌گیرد.

▼ تحولی بزرگ در چگونگی چارچوب‌بندی واشنگتن در رقابت با پکن

کارولین کاستلو دستیار مدیر در مرکز جهانی چین در شورای آتلانتیک



قابل توجه است که سند استراتژی امنیت ملی چین را به بیشتر در قالب شریک احتمالی اقتصادی قرار می‌دهد تا یک دشمن؛ و برای رسیدن به «یک رابطه اقتصادی واقعاً سودمند مقابل با پکن» متعهد شده است. سندهای قبلی، چین را دشمنی مبتنی بر ارزش که به‌دنبال «ایجاد شرایط آسانتر برای الگوی اقتدارگرایانه خود» است، توصیف می‌کردند.

چرا چین یک دشمن است؟ به‌طور کلی دو پاسخ برای این سوال وجود دارد: به این دلیل که ظهور چین منافع اقتصادی و امنیتی آمریکا را به چالش می‌کشد و چون پکن در حال جایگزینی نظام بین‌المللی مبتنی بر قوانین با نظامی است که به نفع الگوی اقتدارگرایانه خود است. این سند روشن می‌کند که دولت ترامپ رقابت آمریکا و چین را رقابت مبتنی بر منافع می‌بیند، نه تلاقی ارزش‌ها.

استراتژی امنیت ملی نه اقتدارگرایی چین را محکوم می‌کند، نه حتی به آن اشاره‌ای می‌کند. این سند همچنین به دلایل استراتژیک و اقتصادی، نه برای حفظ دموکراسی، بلکه جلوگیری از وقوع درگیری بر سر تاپوان را در اولویت قرار می‌دهد. این نشان‌دهنده تحولی بزرگ در شیوه چارچوب‌بندی رقابت واشنگتن با پکن است. این اولین‌بار از زمان انتشار استراتژی امنیت ملی در سال ۱۹۸۸ -دوران خوش‌بینی از اصلاحات و ورود چین به جهان- است که سند استراتژی امنیت ملی نه سیستم حکومتی چین را محکوم می‌کند نه تمایلی برای ترویج اصلاحات دموکراتیک در چین را ابراز کرده است.

ترجمه: یاسمن طاهریان



پرونده نتانیاهو داخلی است

اسحاق هرتزوک، رئیس‌جمهور اسرائیل درخواست دونالد ترامپ رئیس‌جمهور آمریکا برای عفو بنیامین نتانیاهو-نخست‌وزیر اسرائیل که با اتهامات فساد روبه‌روست را رد کرد. این موضع در گفت‌وگویی با پایگاه خبری آمریکایی «پولیتیکو» بیان شد. هرتزوک ضمن تمجید از نقش ترامپ در آزادی اسرای اسرائیلی از نوار غزه گفت که به دوستی و نظر رئیس‌جمهور ترامپ احترام می‌گذارد. با این حال، «اسرائیل کشوری دارای حاکمیت است و باید نظام حقوقی آن به‌طور کامل مورد احترام قرار گیرد». نتانیاهو بیش از پنج سال است که به اتهام‌های کلاهبرداری، خیانت در امانت و دریافت رشوه در دادگاه محاکمه می‌شود. ترامپ بارها هرتزوک را به عفو نتانیاهو ترغیب کرده است؛ از جمله در نامه‌ای که اخیراً امضا و توسط دفتر هرتزوک منتشر شد. در این نامه، ترامپ ضمن تأکید بر احترام به استقلال دستگاه قضایی اسرائیل، مدعی شد که اتهامات علیه نتانیاهو انگیزه‌های سیاسی دارد.



کودتا در بنین؟

گزارش‌ها از بنین در غرب آفریقا حاکی از آن است که «پاسکال تیگری» افسر ارتش و رهبر گروهی که خود را «کمیته نظامی برای بازسازی» معرفی کرده، رئیس‌جمهور این کشور «پاتریس تالون» را برکنار کرده و قانون اساسی این کشور را به حالت تعلیق درآورده است. این گروه از نظامیان با انتشار پیامی تصویری در تلویزیون دولتی بنین این خبر را چندین بار به صورت زنده پخش کرده‌اند، اما هنوز مشخص نیست که کنترل واقعی در پایتخت و دیگر مناطق کشور در دست چه کسی است. در واکنش به تحولات، سفارت فرانسه در بنین به شهروندان خود هشدار داد و اعلام کرد که شلیک‌هایی در «کمپ گیزو» نزدیک محل اقامت رئیس‌جمهور گزارش شده است. این سفارت از شهروندان فرانسوی مقیم بنین خواسته تا اطلاع ثانوی در خانه بمانند و از هرگونه رفت‌وآمد غیرضروری خودداری کنند تا وضعیت امنیتی روشن شود. تا این لحظه هیچ اطلاعات رسمی از سرنوشته رئیس‌جمهور بنین و واکنش دیگر مقامات دولتی منتشر نشده است.



سوریه در مسیر درستی پیش می‌رود

تام باراک، فرستاده ویژه آمریکا به سوریه در جریان برنامه «همایش دوحه» خاطرنشان کرد: «بنیاد فراموش کنیم که رهبری سوریه جدید است و نیاز به ثبات دارد.» وی در ادامه افزود: «ما باید به دولت سوریه کمک کنیم و باید به مردم سوریه اجازه داده شود تا نظام سیاسی خود را انتخاب کنند، واشنگتن در حال بررسی راه‌های حل مشکلات سوریه است.» باراک همچنین گفت «دونالد ترامپ»، رئیس‌جمهور آمریکا پس از بررسی دقیق، تصمیمات خود را در مورد سوریه گرفته و اوضاع در آنجا در مسیر درست پیش می‌رود. وی اظهار داشت بزرگترین اتفاقی که رخ داد برقراری آتش‌بس در غزه و آزادی اسرا بود که بدون دخالت دولت قطر اتفاق نمی‌افتاد. فرستاده ویژه آمریکا به سوریه تأکید کرد: «مانعی توانیم انتظارات خود را به سوریه تحمیل کنیم. هر چیزی که به سوریه مرتبط می‌شود، در مسیر درست پیش می‌رود.» وی همچنین تأکید کرد که تمام تصمیمات کشورهای غربی در مورد منطقه غرب آسیا از زمان سایکس-پیکو اشتباه بوده است.